

بررسی مؤلفه‌های دیپلماسی منطقه‌ای انقلاب اسلامی و ارائه راهبرد

* غلامرضا کریمی

** حسینعلی توتی

چکیده

این پژوهش با طرح این سؤال که دیپلماسی منطقه‌ای انقلاب اسلامی ایران در نظم خاورمیانه و ایجاد الگوی جدید منطقه‌ای دارای چه جایگاهی است، به این پاسخ رسیده است که با توجه به اهمیت منطقه‌ای خاورمیانه که اولین دایره عمق استراتژیک دیپلماسی ایران، به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی است، ایران دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای از منظر ابعاد مختلف قدرت نرم در این منطقه بوده است. در پی امواج اخیر بیداری اسلامی نیز تأثیرپذیری قیام‌ها، جنبش‌ها و کشورهای منطقه خاورمیانه از سرشت قدرت نرم انقلاب اسلامی در تقابل با جهت‌گیری‌های نرم‌افزارگرایانه غرب که مبتنی بر گسترش ارزش‌های لیبرال دموکراسی در خاورمیانه بود، قرار گرفت.

واژگان کلیدی

دیپلماسی منطقه‌ای، راهبرد، انقلاب اسلامی ایران، قدرت نرم، خاورمیانه.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به دلیل شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و اشتراک دینی و تاریخی و همین‌طور جذابیت‌ها در شعائر، اهداف، روش‌ها و دستاوردهای اثرگذار در تمامی زمینه‌ها به

ghkarimi@khu.ac.ir

h.tooti@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۲

*. استادیار دانشگاه خوارزمی.

** . دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی.

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲۵

پدیده‌ای اثرگذار و مرجع در جهان اسلام و به خصوص خاورمیانه تبدیل شده است. این آثار و نتایج به صورت خواسته و یا ناخواسته توسط اشخاص، سازمان‌ها و یا در ارتباطات علمی، فرهنگی و سیاسی در سایر مناطق و کشورها بالآخر منطبقه خاورمیانه بازتاب یافته و دولت‌ها و جنبش‌ها و سازمان‌های دینی را در آن جوامع به درجات مختلف، تحت تأثیر قرار داده است. الگوبخشی انقلاب اسلامی به تحولات منطقه‌ای نتیجه سرمایه‌گذاری سه دهه‌ای جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه بوده است.

عمق نفوذ دیپلماسی ایرانی با گذر از لایه‌های دیپلماسی دولتی و پارلمانی به میان ملت‌ها رفته و در قالب دیپلماسی عمومی نمود یافته است. از این رهرو، انقلاب اسلامی ایران تلاش داشته است تا با دولت‌های برآمده از خواست و اراده انقلابی مردم در سطح منطقه، روابطی نزدیک داشته باشد. اکنون و از گذر این تحولات، کارکرد ابزار دیپلماسی در ابعاد چون دولتی، رسانه‌ای، فرهنگی و عمومی اهمیتی مضاعف یافته است. البته در میان این ابعاد می‌توان وجه دیپلماسی عمومی را به دلیل برجسته شدن مخاطبان آن، یعنی ملت‌ها متمایزتر دانست، از این رو دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از دیپلماسی عمومی و گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه می‌تواند قدرت نرم ایران را افزایش دهد.

انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر قدرت نرم است و از این طریق سیاست‌های خود را در عرصه داخلی و خارجی به پیش می‌برد. و آنچه که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در حوزه دیپلماسی عمومی شکل می‌دهد، باعث ایجاد قدرت و ایجاد نظمی جدید در انقلاب اسلامی شده است. یکی از مهم‌ترین سازوکارها و ابزار تأمین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی مبتنی بر گسترش عناصر فرهنگ ایرانی - اسلامی و الهام‌بخشی در سایر جوامع، تدوین، تنظیم و اعمال دیپلماسی عمومی کارآمد و روزآمد است؛ نوعی دیپلماسی عمومی کنش‌گر و کنش‌مند که بتواند فرصت و بستر لازم را برای استفاده بهینه از داشته‌ها و خاصه‌های انقلاب اسلامی برای تأمین منافع ملی کشور فراهم آورد.

جهت‌گیری دیپلماسی ایران در قبال تحولات منطقه موجبات الگوگیری دیگر کشورهای انقلابی از ساخت و ساختار جمهوری اسلامی شده است. این استقبال در جبهه عربی و اسلامی از مدل جمهوری اسلامی موجب شده تا بسیاری، ایران را برنده بازی بزرگ خاورمیانه بدانند؛ بازی‌ای که نتیجه آن تاکنون توانسته به تثبیت نقش و جایگاه ایران در خاورمیانه اسلامی کمک کند.

در حال حاضر با بروز تحولات جدید در خاورمیانه، نظام‌های سیاسی - امنیتی، فرهنگی و اقتصادی جدید در حال شکل‌گیری است. بر این اساس هر یک از بازیگران صاحب نفوذ در خاورمیانه جدید در حال تثبیت موقعیت و جایگاه منطقه‌ای خود هستند. در خور یادآوری است که هرچند این مسئله، ظرفیت‌های بسیار فرصت‌سازی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند، در مقابل، زمینه‌ساز چالش‌های جدید نیز است. از زاویه سیاست خارجی ایران در برخورد با خاورمیانه، فرصت اندک، درجه تهدیدات بالا و رقابت‌های بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برای تثبیت نقش و نفوذ خود در حال افزایش است. نتیجه منطقی ویژگی‌های فوق این است که دیپلماسی ایران در کوتاه‌ترین زمان ممکن باید از بهترین شرایط در جهت بهره‌برداری از فرصت‌ها و رفع چالش‌ها استفاده کند.

اگرچه سیاست جمهوری اسلامی با توجه به ویژگی ایدئولوژیک و موقعیت خاص جغرافیایی سیاسی کشور، همواره مورد مطالعه پژوهشگران بوده، اهتمام به شناخت ماهیت، رویکردها و راهبردهای متناسب با هویت جمهوری اسلامی در زمینه دیپلماسی عمومی صورت نگرفته و مطالعه‌ای کامل با تمرکز بر حوزه‌های خاص موضوعی و جغرافیایی در این زمینه به چشم نمی‌خورد.

در واقع با توجه به تحولات انقلابی و همچنین شکل‌گیری ژئوپولیتیک شیعی و جهت‌دهی به هدف کلان انقلاب اسلامی، نظیر «ارائه الگویی مناسب برای حرکت امت اسلامی به طرف آن تمدن اسلامی»، «خودباوری اسلامی» و «ایجاد نهضت نرم‌افزاری و علمی در کشور و گسترش آن به سایر کشورهای اسلامی»، ضرورت شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی فعالیت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در خاورمیانه از اهمیت بیشتری برخوردار شده، به طوری که در شرایط جاری منطقه که تلاش‌های سی‌ساله جمهوری اسلامی در جهت بیداری اسلامی در حال به بار نشستن است، تدوین راهکارهای یکپارچه و هماهنگ در ابعاد مختلف با توجه به اهداف انقلاب اسلامی، برای تعامل فعال با جهان اسلام و خاورمیانه در سطوح مختلف ضرورت بیشتری یافته است.

بر این اساس، نخست مؤلفه‌های ارتقاء قدرت نرم را استخراج و با تجزیه و تحلیل، نقاط قوت، ضعف، فرصت، تهدید در خاورمیانه بیان و در انتها جایگاه دیپلماسی منطقه‌ای ایران در نظم نوین منطقه خاورمیانه بررسی می‌شود.

چارچوب مفهومی پژوهش

امروز افکار عمومی، یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شوند؛ بنابراین، کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلهای میان دولتی خود در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند و برای تأثیرگذاری بیشتر، به برقراری ارتباط هدفمند با مخاطب عام و به ویژه نخبگان نیازمندند؛ از این رو از روش‌ها و ابزارهایی گوناگون در این خصوص بهره می‌برند؛ یکی از مهم‌ترین این ابزارها، استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم در دستگاه سیاست خارجی کشورهای مختلف است؛ در این راستا، تلاش عمده سیاست‌گذاران، برقراری ارتباط با مخاطب عام و نخبگان برای جهت‌دهی به افکار عمومی با استفاده از قدرت نرم است. ایران از ظرفیتهایی در این خصوص بهره‌مند است که می‌توان به تجزیه و تحلیل این بخش از قدرت نرم ایران در سطح منطقه و خاورمیانه پرداخت. بررسی میزان و چگونگی اثربخشی مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در منطقه نیز به منظور تعیین و افزایش گسترش اثربخشی این بعد از قدرت بر بیداری اسلامی در کشورهای منطقه و خاورمیانه صورت می‌گیرد. (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۳۳۱)

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

در حقیقت امام بزرگوار ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند: یک پرچم عبارت است از پرچم احیاء اسلام، به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتناهی. پرچم دوم، پرچم عزت و سربلندی ایران و ایرانی. این دو تا پرچم برافراشته به دست قدرتمند امام بزرگوار ماست پرچم اول که در حقیقت یک بعد از دعوت امام و نهضت امام است مربوط به امت بزرگ اسلامی است پرچم دوم هم اگرچه مربوط به ملت ایران است، مربوط به ایران و ایرانی است، اما چون یک تجربه عملی از تحرک حیات بخش اسلام است، برای امت اسلامی امیدآفرین و حرکت ساز است، چون این نهضت بزرگ در ایران تجربه عملی بیداری اسلام بود، بنابراین اگرچه که به طور مستقیم مربوط به ایران و ایرانی است اما نتیجه آن باز برای امت اسلام دارای ارزش و اهمیت است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۳/۱۴)

گفتمان ایرانی در سه بعد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و در سطح فراتر، یعنی جهانی، متأثر از خصوصیات فرهنگی، سیاسی و دینی در طول تاریخ است که در عصر انقلاب اسلامی، علی‌رغم

تفاوت اساسی با گذشته، ریشه در هویت ایرانی دارد که حاصل تجربه تاریخی میان ایرانیت و اسلامیت است.

گفتمان ایرانی پس از انقلاب، ریشه در سه محور اساسی دارد که این سه محور متعاقباً تشریح خواهد شد. آنچه در این گفتمان قابل توجه است، همپوشانی گفتمان ملی و گفتمان فراملی از یک جهت و همگرایی این دو گفتمان در صحنه نظری و عملی است که این دو خصوصیت، گفتمان مزبور را به سطح دیپلماسی منطقه‌ای نظام تبدیل کرده است. (خیبری، ۱۳۷۸: ۱۶۹)

۱. مبانی و مؤلفه‌های دیپلماسی منطقه‌ای در خاورمیانه

انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر قدرت نرم‌افزاری فرهنگ و تفکر و نیز تفوق اندیشه‌ورزی بر ابزار انگاری، نوعی فعالیت‌گری فکری و فرهنگی را رقم زد که بر استقلال فکری و فرهنگی ملت‌های مسلمان استوار بوده است؛ چنین انقلابی موجب نوعی جنبش نرم‌افزاری و تولید علم در جهان اسلام شد که بر حفظ فرهنگ بومی در عین بهره‌گیری از دستاوردهای فناوری به ویژه فناوری‌های ارتباطی روز تأکید می‌ورزد. انقلاب اسلامی در عصر انقلاب ارتباطات و هم‌زمان با رشد شبکه‌های فراملی، موجب بازسازی فکری تمدن اسلامی شده که بر ویژگی‌هایی از قبیل فراگیرندگی، چندمرکزی و مداومت و پویایی استوار بوده است. احترام به آزادی فکر و اندیشه هم‌زمان با افزایش اهمیت سیاسی دین در روابط بین‌الملل، تعامل و مراودات علمی میان حوزه‌های علمیه از یک‌سو و نیز میان استادان و روحانیون را از سوی دیگر افزایش داده است. افزایش روحیه انقلابی‌گری در دانشگاه‌های کشورهای اسلامی و ارتقای اهمیت و نقش دانشجویان، موجبات افزایش تعامل‌های فکری و فرهنگی دانش‌پژوهان را فراهم آورد. رشد معنویت‌گرایی، افزایش گرایش و دلبستگی مردم به معنویات و توسعه فرهنگ دینی در کشورهای اسلامی، هم‌زمان با گسترش موج اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی و احیا و نهادینه‌سازی ارزش‌های معنوی و اسلامی، موجب اعطای هویت اخلاقی، معرفتی و معنوی به جوامع مسلمان شد.

انقلاب اسلامی در اعطای افتخار و ایجاد اعتمادبه‌نفس مسلمانان (چه سنی و چه شیعه) بدون توجه به ملیت یا تمایل‌های سیاسی آنها نقش داشته و توانایی اسلام را برای رهبری مردم سرکوب شده به منظور مقابله با استعمار خارجی مشخص کرده است. با پیروزی انقلاب،

بررسی تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر جنبش بیداری اسلامی خاورمیانه اسلامی در میان ملت‌های منطقه ایجاد شد؛ این احساس هویت نه فقط شیعیان بلکه حتی طرفداران اهل سنت را نیز در بر می‌گرفت؛ چراکه پیام امام خمینی علیه السلام در مقام بنیانگذار انقلاب اسلامی، پیامی فراگیر و جهانی و مبتنی بر آموزه‌های ناب و گرانقدر اسلامی بوده است. (السید، ۱۳۸۹: ۱۷۲ - ۱۷۱)

۲. مؤلفه‌های ارتقاء دیپلماسی منطقه‌ای در خاورمیانه

راهبردهای نرم افزاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه با توجه به ماهیت اسلامی‌اش، راهبرد نرم افزارگرایانه‌ای را در منطقه دنبال می‌کند که هدف آن، مقابله با راهبرد نرم‌افزارگرایانه غرب در تقابل با صدور ارزش‌های دینی - فرهنگی انقلاب اسلامی ایران است؛ در واقع، این راهبرد در قالب دکترین تعامل سازنده، قابل بررسی است. (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۲۶ - ۱۲۳) از جمله راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه، می‌توان این محورها را تشریح کرد:

- تلاش به منظور خنثی کردن تبلیغات غرب ضد نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل؛

- سعی در عادی‌سازی روابط با دولت‌ها و ملت‌های خاورمیانه در تقابل با راهبرد آمریکا در منزوی کردن ایران در منطقه برای جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران؛
- گسترش الگوی حکومت دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران به کشورهای دیگر خاورمیانه؛

- شکل‌گیری یک جبهه نرم از کشورهای خاورمیانه بر ضد آمریکا و اسرائیل در منطقه با محوریت و موضوع سرزمین‌های اشغالی و تقابل جهان اسلام با استکبار جهانی آمریکا؛
- درهم آمیختگی‌های فرهنگی، دینی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران با بسیاری از کشورهای منطقه؛

- تحرک دیپلماتیک و حضور موفق در مجامع بین‌المللی؛
- تلاش برای توجه بیشتر مجامع بین‌المللی به برخی کشورهای فقیر منطقه و جهان اسلام؛
- مبارزه جدی با تروریسم بین‌المللی و منطقه‌ای. (همان: ۱۵۲ - ۱۴۸)

در واقع، می‌توان گفت که ماهیت راهبرد نرم‌افزارگرایانه جمهوری اسلامی ایران در منطقه بر مبنای نظری الگوها و ارزش‌های دینی و در تقابل با ارزش‌ها و الگوهای لیبرال دموکراسی آمریکا در منطقه است. (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲: ۸)

تحلیل روندی نظم نوین منطقه

بررسی سیر تحولات منطقه و جهان در دوره اخیر نیز حاکی از وجود روندهایی است که نوید تغییر مناسبات بین‌الملل و معادلات قدرت را در فضای منطقه‌ای و بین‌الملل می‌دهد. در ادامه خواهیم کوشید به بررسی برخی از مهم‌ترین این روندها بپردازیم:

۱. افول آمریکا در خاورمیانه و جهان

رویکرد ایالات متحده آمریکا پس از پایان دوره جنگ سرد و فروپاشی جبهه رقیب در چارچوب نظریه تسلط بلامنازع بر نقاط کلیدی جهان و مناسبات بین‌الملل بود و این روند در هزاره سوم «نظم نوین جهانی» شدت پذیرفت. نومحافظه‌کاران آمریکا، پس از به قدرت رسیدن در انتخابات سال ۲۰۰۰، ضمن تعیین اهداف راهبردی آمریکا در خاورمیانه، ایجاد نظم هژمونیک و برتری جهانی ایالات متحده را از رهگذر تشکیل خاورمیانه بزرگ (در برگرنده آسیای میانه، جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا) مورد توجه قرار دادند. محدوده جغرافیایی این طرح، شامل ۲۲ کشور عربی و ۴ کشور غیر عربی، یعنی ایران، ترکیه، اسرائیل و افغانستان بود. در ادامه، شمال آفریقا و بعدها جنوب شرق آسیا و سرانجام آسیای میانه نیز شامل گستره آن گردید. (Jonsson and Hall, 2002)

در کنار اینها، رویکرد سخت‌افزاری نیز از طریق لشکرکشی نظامی به منطقه و حضور مستقیم در عراق و افغانستان به بهانه مقابله با تروریسم در دستور کار قرار گرفت و میلیاردها دلار برای تغییر جغرافیای سیاسی منطقه هزینه گردید. همچنین طرح‌های راهبردی گوناگونی به منظور تغییر نقشه آرایش سیاسی کشورهای منطقه با هدف حداکثرسازی منافع نظام سلطه و کاهش تهدیدات پیش رو بررسی گردید. با همه اینها در حالی در حوزه عراق، آمریکا تلاش کرد که با استفاده از فعال کردن گسل‌های قومی و فرقه‌ها و افزایش موج حرکت‌های تروریستی، به هر شکل ممکن، مانع از تشکیل دولت ائتلافی مردمی شود و به دنبال حاکم نمودن

سکولارهای وابسته به خود بود و در راه اشغال نه ساله این کشور، ۸۰۲ میلیارد دلار هزینه مالی، ۴ هزار و ۴۸۴ نفر تلفات و ۳۲ هزار و ۲۰۰ نفر مجروح نظامی آمریکایی (براساس آمار رسمی) بر آمریکا تحمیل کرد، در پایان سال ۲۰۱۱ به ناچار و با کمترین پیروزی در حالی مجبور به ترک عراق گردید که شاهد قدرت یافتن نیروهای همسو با دشمن شماره یک خود یعنی ج.ا.ا. در عراق بود.

در حوزه فشار بر محور مقاومت نیز تلاش کرد تا با تمرکز فعالیت‌های خود در حوزه بازیگران مؤثر در تحت فشار قرار دادن تمامی حرکت‌های مقاومت، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، آنها را با شکست مواجه سازد. بدین منظور در حوزه فلسطین، اقداماتی نظیر جلوگیری از تشکیل دولت حماس، وارد آوردن فشارهای شدید اقتصادی و سیاسی، ایجاد و گسترش اختلافات بین حماس و سایر گروه‌های فلسطینی، به خصوص فتح را در دستور کار خود قرار داد. در حوزه لبنان نیز خلع سلاح و به انزوا کشیدن حزب‌الله در صحنه داخلی، ترور رفیق حریری و خروج ارتش سوریه از لبنان، فعال کردن گسل‌های سیاسی و فرق‌ها و طرح انقلاب مخملی در این کشور، در دستور کار قرار گرفت. (حسینی مقدم و صنیع اجلال، ۱۳۹۱: ۱۸)

این چنین بود که در راهبرد سخت‌افزاری که با حضور سران رژیم صهیونیستی در کاخ سفید تهیه و تنظیم شد، تلاش گردید تا با استفاده از نگرانی برخی سران دست‌نشانده کشورهای عربی از رشد محور مقاومت، موافقت آنها را برای برخورد با حماس، حزب‌الله و سوریه و در نهایت، ایران جلب کند؛ حمله به غزه با هدف سرنگونی دولت حماس (جنگ ۲۲ روزه)، دستگیری و سرکوب انقلابیون و مهار انتفاضه فلسطین، تهاجم به لبنان و اشغال جنوب این کشور تا حد فاصل رودخانه لیطانی به منظور مرعوب کردن دولت لبنان و خلع سلاح و نابودی جنبش حزب‌الله (جنگ ۳۳ روزه)، تغییر رفتار سوریه و به رسمیت شناختن اسرائیل و در صورت نیاز، تغییر ساختار آن کشور، باعث انفصال در محور مقاومت و تسلط رژیم صهیونیستی بر منطقه می‌گردید. اما مقاومت مجاهدانه و همت عالی حزب‌الله در نبردی ۳۳ روزه و حماس در جنگ ۲۲ روزه، تمام اقدامات انجام شده در جهت تحقق طرح خاورمیانه جدید را به چالش طلبد و توطئه‌های شوم صهیونیسم بین‌الملل و نظام سلطه جهانی را با شکست مواجه ساخت.

در کنار همه اینها، ناتوانی در مواجهه با قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، عدم توانایی

آمریکا در نظم جدید جهانی و تضعیف قدرت نرم آمریکا و عدم توانایی آمریکا در کاهش قیمت نفت و به تبع آن، افزایش هزینه‌های نظام سرمایه‌داری، مواجهه با بحران‌های اقتصادی پس از شکست در خاورمیانه و نهایتاً تغییر موازنه استراتژیک در منطقه و بین‌الملل به زبان آمریکا و به سود رقبای سنتی و جدید، همه و همه از روند افول ایالات متحده آمریکا در سطح منطقه و جهان حکایت می‌کند. (محمدی، ۱۳۸۰)

۲. افول رژیم صهیونیستی

رژیم اشغالگر قدس نیز در طی یک دهه گذشته با چالش‌های جدی‌ای مواجه شده است که حیات سیاسی این رژیم را با تهدیدات جدی مواجه ساخته است. در حالی که زمانی سران این رژیم از آرمان نیل تا فرات سخن می‌راندند، امروز به مرزهای فلسطین اشغالی بسنده کرده و محتمل است دولت مستقل فلسطینی را در کنار خویش به رسمیت بشناسند. عبور و صرف نظر از سرزمین‌های مقدس تنها چالش کنونی این رژیم نیست؛ بلکه ایجاد ناامنی روانی در سرزمین‌های اشغالی خصوصاً پس از جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه، موجب ایجاد روند چشمگیر مهاجرت معکوس صهیونیست‌ها به مبدأ شده است و اینها همه نشانگر از دست دادن زمین و جمعیت به عنوان دو رکن اصلی حاکمیت این رژیم است. (McClellan, 2004)

البته چالش‌های این رژیم محدود به مرزهای این فلسطین اشغالی نمی‌شود. در آن سوی صحرای سینا، در حالی که حکومت حسنی مبارک به عنوان نزدیک‌ترین هم پیمان اسرائیل به دست مردم مصر سرنگون شده است، به مخاطره افتادن پیمان کمپ دیوید به عنوان تنها سند حیات مشروعیت سیاسی منطقه‌ای این رژیم، صهیونیست‌ها را با مهم‌ترین چالش سیاسی و امنیتی مواجه ساخته است.

۳. سقوط رژیم‌های وابسته و متحد آمریکا در منطقه

در کنار افول آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه، روندی که از اواخر سال ۱۳۸۹ آغاز شد که از آن به بیداری اسلامی تعبیر می‌گردد در فاز نخست موجب سقوط رژیم‌های ژئوپولیتیک‌محور در مصر، یمن و برخی دیگر از حکومت‌های وابسته در لیبی و تونس شد. اینها خود، تسلط نظام سلطه را بر نقاط کلیدی جهان و منطقه با چالش مواجه ساخته است.

در فاز دیگر، امکان و احتمال تبدیل فاز بیداری اسلامی به مقاومت اسلامی در منطقه به بزرگترین کابوس آمریکا و رژیم صهیونیستی تبدیل شده است؛ امری که نشانه‌های تحقق آن از هم‌اکنون از جهت‌گیری افکار عمومی منطقه قابل پیش‌بینی است. در این چارچوب می‌توان گفت به طور کلی این روند، محور آمریکا را که از آن به عنوان محور سازش یاد می‌گردد در منطقه تضعیف و در مقابل، محور مقاومت و در نقطه کانونی آن انقلاب اسلامی ایران تقویت کرده است. (هزاوه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۲۶ - ۱۲۰)

۴. تداوم و استمرار بیداری اسلامی در منطقه

بروز جریان بیداری اسلامی در منطقه مهم ژئوپلتیک جهان توانست نویدبخش تغییر معادلات قدرت در سراسر جهان به سود محور مقاومت و مستضعفین عالم باشد و افول بیش از پیش نظام سلطه دور از ذهن نخواهد بود. در عین حال قرآنی از همین مسئله در حال حاضر نیز هویدا است. رهبر معظم انقلاب در بهار سال ۱۳۹۰ در بیاناتی، حرکت بیداری کنونی در غرب آسیا و شمال آفریقا را امتداد حرکت عظیم ملت ایران خواندند و اشاره کردند که این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپایی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. جنبش اشغال وال استریت نیز به عنوان جریان ضد لیبرال سرمایه‌داری که الگو گرفته از بیداری اسلامی بود، افول سرمایه‌داری را ندا می‌داد. در واقع می‌توان به شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی ایران در امتداد عرصه خارجی کشور امیدوار بود.

۵. روند تقویت جمهوری اسلامی ایران

آنچه از روندهای پیش‌گفته منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز روندهای داخلی مورد اشاره، بر می‌آید آن است که توانمندی و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های قدرتمند هوشمند (سخت، اقتصادی، نرم) در حال تقویت است و با فراگیر شدن گفتمان بیداری اسلامی و تقویت محور مقاومت در منطقه شاهد توسعه و تعمیق عمق استراتژیک ج.ا.ایران خواهیم بود. همچنین تقویت روند منطقه‌گرایی با همکاری ج.ا.ایران که نمونه بارز آن، حضور فعال

بررسی مؤلفه‌های دیپلماسی منطقه‌ای انقلاب اسلامی و ارائه راهبرد □ ۱۷۳

جمهوری اسلامی ایران در مناسبات و تعاملات منطقه‌ای و جهانی، پیوستن ایران به پیمان شانگهای به عنوان کانون تعاملات شرق در برابر غرب و رشد دیپلماسی عمومی منبعت از قدرت نرم انقلاب اسلامی است، نشانه‌هایی از همین روند است. افزایش حوزه نفوذ ج.ا.ا. تا به حدی پیش رفته است که آمریکای لاتین - که تا پیش از این حیاط خلوت ایالات متحده به شمار می‌رفت - به عرصه رقابت ایران و آمریکا بدل شده است. (جهان بین و پرتو، ۱۳۹۱)

با تأملی دوباره در روندهای موصوف منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌توان ادعا نمود نقش جمهوری اسلامی در روندهای مذکور غیرقابل انکار است و مؤید این نکته است که جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بازیگر منطقه‌ای و یکی از تعیین‌کننده‌ترین بازیگران جهانی است.

دیپلماسی منطقه‌ای ج.ا.ا. ایران در نظم جدید منطقه

در ادامه به بررسی نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی منطقه‌ای انقلاب اسلامی ایران در نظم جدید منطقه پرداخته می‌شود.

۱. نقاط قوت

- پابندی به آرمان‌های اسلامی - ایرانی.
- عدالت اجتماعی.
- پیروی از ولایت فقیه.
- تعلیم جهانشمول دین اسلام.
- فرهنگ ضد استکباری و ضد استعماری شیعی.
- تقویت الگوی ایرانی - اسلامی در برنامه‌های اقتصادی.
- خودکفایی‌های اقتصادی.
- ظرفیت منابع انرژی و نیروی انسانی.

۲. نقاط ضعف

- رواج اختلافات مذهبی. (شیعه و سنی)
- فقدان وحدت رویه.

- ضعف نخبگان فرهنگی.
- عملکرد ضعیف حوزه‌های فرهنگی از جمله دانشگاه‌ها.
- اقتصاد تک محصولی.
- فقدان حمایت از تولیدات ملی.

۳. فرصت‌ها

- الهام بخشی ایدئولوژی اسلامی - ایرانی.
- گسترش روابط با جهان عرب.
- مردم سالاری جنبش‌های اسلامی.
- حرکت بیداری اسلامی.
- حج عامل فرصت‌ساز.
- راه اندازی شبکه‌های رسانه‌ای مشترک اسلامی.
- گسترش روابط گردشگری و مذهبی.

۴. تهدیدات

- وابستگی برخی از سران دول جهان اسلام به غرب.
- فقدان جبهه متحد اسلامی.
- غرب شیفتگی نخبگان جریان‌های روشنفکری در جهان اسلام.
- جنگ روانی در زمینه اقتصاد اسلامی.
- فقدان بازارهای مشترک اسلامی. (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۹۵ - ۹۰)

تدوین راهبرد بر اساس مدل SWOT

پس از شناسایی عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدات) و عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) می‌توان بر اساس مدل SWOT در چهار حوزه، راهبردهای (SO, ST, WO, WT) را ارائه نماییم. روش تجزیه و تحلیل SWOT الگوی تحلیلی مفیدی است که به شکل نظام یافته، هر یک از عوامل قوت، ضعف، فرصت، تهدید ارتقاء قدرت نرم، راه را برای طراحی راهبردهای ارتقاء قدرت

بررسی مؤلفه‌های دیپلماسی منطقه‌ای انقلاب اسلامی و ارائه راهبرد □ ۱۷۵

نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام هموار می‌سازد. این مدل در حالت معمولی از یک دسته گزینه‌های راهبردی تشکیل شده است. این حالت، مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین حالت برای راهبرد است و راهبردهای ذیل، ضمن آنکه از توانایی‌ها و نقاط قوت درخور و قابل توجهی برخوردار می‌باشد، در محیط تعاملی و زمینه‌ای خود نیز با فرصت‌های مناسبی مواجه است.

- ترویج الگوی انقلاب اسلامی ایران به مثابه گفتمان هویت اسلامی و عزت اسلامی در بیداری جهان اسلام برای ایجاد تمدن درخشان اسلامی.

- ارتقاء دموکراسی در جهت تقویت و احیای ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی در میان جوامع مسلمان.

- ارتقاء ظرفیت و کارکردهای سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی حج و زیارت.

- تقویت بنیه‌های تجاری و افزایش مبادلات خارجی میان جوامع اسلامی.

- افزایش روحیه استکبارستیزی و دفاع از مظلوم و کنار نیامدن با ظالم در حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان اسلام.

- ارتقاء سطح خودباوری و همیاری در تولید علم و نهضت‌های نرم افزاری اسلامی.

- اعطای امتیازات ویژه به دانشگاه‌ها برای ارتقاء افکار و آثار مسلمانان در جهان اسلام.

- تقویت فرهنگ ایثار و شهادت به عنوان یک باور اسلامی و روحیه حماسی در جهان اسلام در برابر تعالیم غرب.

- افزایش حمایت از تولید محصولات اسلامی در بازار کشورهای جهان اسلام.

ارزیابی راهبردها

با بررسی راهبردهای فوق می‌توان استنباط کرد که گفتمان غالب ایران در منطقه خاورمیانه هنوز به عنوان همگرایی میان گفتمان ملی و گفتمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شکل می‌گیرد. مهم‌ترین ویژگی این گفتمان، استقلال‌گرایی ایران در گفتمان سیاسی منطقه، نفی حضور سلطه‌گران غربی، تعامل بازیگران منطقه با همدیگر و ایجاد برتری گفتمانی برای منطقه با هدایت ایران است. گفتمان وحدت‌گرایی ایران، بر پایه انسجام دینی، همگرایی سیاسی، اتحاد اجتماعی و همسان‌سازی فرهنگی استوار است. توجه به محورهای سه‌گانه گفتمان ایران در منطقه خاورمیانه با دو عامل اساسی تحولات زمانی و تغییرات سیاسی - اجتماعی

متغیر بوده، و دیدگاه‌های درونی و بیرونی به آنها نیز تابعی از این دو عامل بوده است. در مجموع، محورهای اساسی در گفتمان ایرانی - خاورمیانه‌ای زمینه‌ساز طرح ابعادی شده است که می‌توان آن را به شکل ذیل خلاصه کرد:

یک. استقلال‌گرایی بر نفی مداوم حضور سلطه‌گران غربی در منطقه خاورمیانه تأکید کرده است؛

دو. اسلام‌گرایی تأثیر فراوانی در ظهور نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی در سطح جهانی به ویژه در سطح منطقه خاورمیانه داشته و باعث پیدایش گرایش‌های تند و معتدل اسلامی در این منطقه شده است. تشدید مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و دفاع از فلسطین و مردم مظلوم آن، در این راستا تفسیر می‌شود؛

سه. همکاری و تعامل، عاملی اساسی برای گسترش روابط متقابل و اطمینان‌سازی بر پایه تفاهم را به وجود آورده است؛

چهار. وحدت‌گرایی و انسجام اسلامی زمینه‌ساز انسجام دینی، همگرایی سیاسی، اتحاد اجتماعی و همسان‌سازی فرهنگی شده که بر پایه ایجاد برتری گفتمانی با هدایت ایران در منطقه استوار است؛

پنج. گفتمان مربوط به فلسطین، باعث ظهور جریان حمایت قاطع از مبارزات مردمی فلسطینیان و طرح جدی محو دولت غاصب اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی شده است. تأکید و استمرار جمهوری اسلامی بر این گفتمان، آن را به مهم‌ترین و اساسی‌ترین گفتمان در سطح جهان اسلام، بلکه در سطح بین‌المللی تبدیل کرده است؛

شش. گفتمان طرد نیروهای خارجی به ویژه آمریکا از منطقه، سیاست استقلال‌گرایی کشورهای منطقه، تأمین امنیت کشورها بدون دخالت عوامل خارجی، حاکمیت روابط همگرا در تعامل کشورهای منطقه، بازگشت به هویت اسلامی و ملی و گسترش ارتباطات بر مبنای احترام متقابل را به ارمغان آورده است.

انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده دیپلماسی منطقه‌ای ایران

در مرحله تکامل‌بخشی انقلاب اسلامی به گفتمان اسلام سیاسی در کشورهای منطقه باید به دو دستاورد عمده و اساسی انقلاب اسلامی برای جنبش‌های اسلامی تاریخ منطقه اشاره کرد

که عبارتند از:

۱. طراحی، شکل‌دهی، رهبری و به پیروزی رساندن یک انقلاب به نام اسلام و بر اساس بنیادها و الگوهای جنبش‌های اسلامی.
 ۲. تشکیل جامعه و حکومت اسلامی بر پایه آموزه‌ها، ارزش‌ها و اصول همان جنبش‌های اسلامی (تأسیس جامعه نمونه) و این هر دو یعنی آشکار کردن توانمندی‌ها و برجسته ساختن توانایی‌های گفتمان اسلام سیاسی و اسلام در حوزه سیاست و اجتماع و این به مثابه اسلامی است که هم انقلاب‌ساز و هم حکومت‌ساز است. ما شاهد اوج‌گیری این توانمندی‌ها در گفتمان بیداری اسلامی و در موج سوم آن در کشورهای منطقه هستیم و این همان چیزی است که غرب را به طراحی پروژه قبل از انقلاب ایران، یعنی اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی وادار کرده است.
- سرانجام اینکه اهمیت انقلاب اسلامی برای جنبش‌های اسلامی و اسلام سیاسی از آن رو است که انقلاب اسلامی ایران نماد وضعیتی است که تنها به ایران محدود نمی‌شود بلکه تمام جهان عربی - اسلامی را به طور کلی پوشش می‌دهد و از همین رو تمامی نظام‌های حکومتی موجود در جهان عربی - اسلامی در سال ۱۹۷۹ از صدور انقلاب اسلامی ایران نگران شدند؛ زیرا اکثر آنان چیزی میان غرب‌گرایی معیوب و عدالت اسلام‌گرایانه را ترجیح می‌دادند.
- برخورداری از تمدنی غنی، برخورداری از یک ایدئولوژی فراگیر، سوابق درخشان فرهنگی، هنر برتر، سیاست‌های صلح‌جویانه، برنامه‌های بشردوستانه، کمک به کشورهای توسعه نیافته، داشتن رهبران بزرگ، پیشرفت همه جانبه اقتصادی و صنعتی، پیشرفت در علوم و فناوری و البته قدرت نظامی مطلوب و برنامه‌هایی برای توسعه حقوق بشر و محیط زیست، همگی از جمله عواملی است که امروزه باعث افزایش قدرت نرم کشورها می‌شود. با وجود این، گرچه نرم‌افزارگرایی یکی از ابزارهای تأمین بهتر و بیشتر منافع ملی کشورها تلقی می‌شود، بررسی‌ها نشان می‌دهد استفاده از قدرت نرم توسط دولت‌های بزرگ همواره تحت تأثیر ملاحظات راهبردی - امنیتی قرار داشته که دلیل آن، کاربرد دشوار و زمان‌بر قدرت نرم است. (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۶)
- در بعد منطقه‌ای و دیپلماسی منطقه‌ای، راهبرد قدرت نرم ایران در قبال کشورهای همسایه تاکنون به طور عمده مبتنی بر بهره‌گیری و تأکید بر اشتراکات مذهبی، تاریخی و فرهنگی بوده است. به همین سبب، همگرایی اسلامی و شیعی کشورهای منطقه با جمهوری اسلامی ایران، به مثابه عوامل طبیعی افزایش قدرت ایران، بیشترین نقش را در منطقه ایفا می‌کند. (بیگی، ۱۳۸۸)

نتیجه

ایران به دلیل پیام و ارزش‌هایی که بر آنها تأکید می‌کند، توانسته در منطقه خاورمیانه الگو باشد و عمق استراتژیک ایجاد کند. این که چگونه اسلام می‌تواند تبدیل به یک مکتب سیاسی - اجتماعی و حتی مکتب علمی شود تا بتواند پاسخگوی نیازهای امروز امت اسلامی باشد، برای منطقه مهم می‌باشد. حمایت توده‌های مردم و نفوذ قدرت نرم جمهوری اسلامی در جغرافیای جهان اسلام، مصونیت دیگری را برای دفاع در مقابل قدرت نرم و سختی ایجاد کرده که غرب علیه این انقلاب اعمال می‌کند. استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاست‌های انقلاب اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که دربرگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری است؛ ارزش‌هایی نظیر مردم‌سالاری دینی و کمک‌های بشردوستانه به نهضت‌های رهایی‌بخش و ارتقای توانمندی‌های علمی و فرهنگی کشور را می‌توان در زمره موارد اهتمام به قدرت نرم برشمرد. از آنجا که قدرت نرم به صورت آرام و تدریجی حرکت می‌کند، از اثرگذاری بیشتر و مداوم‌تری برخوردار است؛ چراکه می‌تواند با تفسیر سیاست‌های فکری و فرهنگی به ایجاد تغییرات بنیادین و راهبردی یاری رساند. قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی چیزی بیش از ترغیب و یا توانایی تهییج ملت‌ها بوده است؛ چراکه علاوه بر آن، دربردارنده مفهوم توانایی جذب افراد نیز می‌باشد که عموماً به موافقت و رضایت منجر می‌گردد.

با توجه به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر الگو شدن ملت ایران و تمدن‌سازی نوین اسلامی، عزت و اعتماد به نفس ملی، ظهور تحولات انقلابی در جهان و عدالت به عنوان شاخصه‌های پیشرفت جهان اسلام، می‌توان ارائه الگویی از سوی ایران به عنوان شاخص‌ترین کشور در حوزه مسائل خاورمیانه را ضرورتی اجتناب‌ناپذیری دانست. اما از آنجایی که تاکنون به دلایلی در رابطه با ارائه راهبرد، فاقد اصول و راهکارهای نظام‌مند بوده‌ایم، در این مسیر، تحول در نگرش‌ها، تدوین نقشه راه، تبیین دقیق راهبردهای مبتنی بر موقعیت‌یابی، آسیب‌شناسی و محیط‌شناسی، تهیه برنامه‌های ارتقاء قدرت نرم در محیط بین‌الملل، ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیری هستند که در فرآیند تدوین راهبردها باید مورد توجه قرار گیرند. از این رو طراحی «برنامه راهبردی و هوشمندانه» نه تنها امری لازم به شمار می‌آید، بلکه امری حیاتی است که می‌بایست توجه ویژه‌ای از سوی بخش‌های مطالعاتی، طراحان و

بررسی مؤلفه‌های دیپلماسی منطقه‌ای انقلاب اسلامی و ارائه راهبرد □ ۱۷۹

برنامه‌ریزان سازمانی صورت گیرد. هر کدام از این راهبردها در حکم قواعد و رویه‌های نه لزوماً لازم‌الاجرا، ولی در خور توجه در کشورهای اسلامی است که تدوین و اجرای برنامه‌های متعدد پیرامون هر یک منجر به تقویت هویت مشترک فرهنگی اسلامی در بین کشورها می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. آلدپوش، علی و علیرضا توتونچیان، ۱۳۷۲، *دیپلمات و دیپلماسی*، تهران، وزارت امور خارجه.
۲. اسپوزیتو، جان.ال، ۱۳۸۸، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، انتشارات مؤسسه شیعه‌شناسی.
۳. بشیر، حسن، ۱۳۸۸، «گفتمان خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *دانش سیاسی*، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان و تشکل‌های مختلف دانشگاهی، ۱۳۸۷/۸/۸.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در بیستین سالگرد رحلت امام خمینی ره، ۱۳۸۸/۳/۱۴.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای دوره جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۱/۱/۲۰.
۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۱/۱۱/۱۰.
۸. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی در حرم امام خمینی ره، ۱۳۹۲/۳/۱۴.
۹. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم گرامیداشت بیست و سومین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی ره، ۱۳۹۱/۳/۱۴.
۱۰. بیگی، مهدی، ۱۳۸۸، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه امام صادق ره.
۱۱. جهان‌بین، فرزاد و فتح‌الله پرتو، ۱۳۹۱، «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش‌بیداری اسلامی اخیر»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره ۳، تابستان.
۱۲. حسینی مقدم، محمد و مریم صنیع‌اجلال، ۱۳۹۱، «همگرایی جهان اسلام و آینده تمدن اسلامی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال اول، شماره ۳، پاییز.
۱۳. خسروی، محمدعلی و عباسعلی جباری ثانی، ۱۳۹۰، «ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال سوم، شماره ۱۱، بهار.

۱۸۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۴، بهار ۹۴، ش ۱۲

۱۴. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۸۵، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، سال چهارم، شماره ۵۷.
۱۵. السید، رضوان، ۱۳۸۹، *اسلام سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدد*، ترجمه مجید مرادی، تهران، انتشارات باز.
۱۶. فولر، گراهام، ۱۳۸۴، *شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش شده*، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.
۱۷. متقی، ابراهیم و افسانه رشاد، ۱۳۹۰، «نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان.
۱۸. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۰، *انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های کشور.
۱۹. منوچهری، عباس، ۱۳۸۰، *نظریه‌های انقلاب*، تهران، انتشارات سمت.
۲۰. مولانا، عبدالحمید و منوچهر محمدی، ۱۳۸۷، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد*، تهران، نشر دادگستر، چ اول.
۲۱. هرسپچ، حسین، ۱۳۹۰، «تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال اول، پیش شماره سوم، پاییز.
۲۲. هزاوه‌ای، سیدمرتضی، ۱۳۹۱، «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی در منطقه»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره ۴، پاییز.
23. Aghaie, Kamran, 2010, *Nationalism: Theory, Ideology, History*, UK, Policy Press.
24. Jonsson, C. and Hall, M., 2002, "Communication: An Essential Aspect of Diplomacy", *Article Prepared for 43rd Annual ISA Convention*, New Orleans: LA, March 23-27, Panel WA23: Diplomatic Theory and Practice.
25. Kinzer, Stephen, 2003, *All the Shah Men: an American coup and the Roots of Middle East Terror*, NJ, John Wiley & Sons Publishing.
26. McClellan, M, 2004, "Public Diplomacy in the Context of Traditional Diplomacy", Presented 14 October, *Vienna Diplomatic Academy*, [McClellan is Counsellor for Public Diplomacy in US Embassy, Dublin], Accessible at: <http://www.publicdiplomacy.org/45.htm#head09>.

ضرورة الحكم الديني مع التأكيد علي محورية سلطة الفقه الاجتماعي

روح الله شاكري زواردهي^١ / مرضيه عبدلي مسينان^٢

الخلاصة: الفقه الاجتماعي يدور حول السلطة في ذاته، بمعنى ان تطبيق العديد من احكام الاسلام يتوقف على وجود حكومة وسلطة. ومن جانب آخر، فان اهداف الفقه الاسلامي لها ماهية حكومية. لذلك، فان تحقيق هذه الاهداف رهن - فقط - بوجود حكومة دينية. حيث انه وبفقدان الحكومة الدينية الصالحة، تتعطل العديد من احكام الاسلام او تطبق بشكل ناقص. وفي الحقيقة، بين الفقه الاسلامي والتدين من جهة والحكومة والسلطة من جهة اخرى رابطة غير قابلة للفصل. ويسعى هذا المقال، من خلال نظرة اجمالية الى بعض الاحكام الاجتماعية الاسلامية واهداف الفقه، الى اثبات ضرورة الحكومة الدينية من اجل تحقيق اهداف الفقه وتطبيق احكامه.

الكلمات المفتاحية: الحكومة، الاسلام، الفقه الاجتماعي، الاحكام.

الأسس والأدلة التي تقوم عليها المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية الایرانية (منع الجمع بين المشاغل)

فيروز اصلاني^٣ / عبد المجيد رحمانيان^٤

الخلاصة: المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية الإيرانية، من المواد الاساسية والتي تمنع الجمع بين عدة مشاغل. ولهذه المادة اساس ومبنى شرعي، قانوني، فكري، فلسفي وتاريخي. ومن اجل منع قيام شخص بعدة مشاغل واعمال، هناك ادلة متعددة جرى بيانها، من جملتها: الحيلولة دون توقف الاعمال، الحيلولة دون احتمال اعمال النفوذ، العدالة في التوظيف والعمل، الحيلولة دون تضييع بيت المال، تنمية القابليات، واحترام التخصص. كما ان الاهتمام بهذه المادة يعد امرا مهما للغاية من اجل اقامة مجتمع سليم.

الكلمات المفتاحية: المشاغل، فصل السلطات، عدالة التوظيف، المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية الإيرانية.

١. استاذ مساعد في جامعة طهران.

٢. ماجستير في علم الكلام، مجمع فارابي التابع لجامعة طهران.

٣. استاذ مساعد في جامعة طهران.

٤. طالب دكتوراه قانون عام بجامعة طهران.

u.abdoli@gmail.com

aslanif@ut.ac.ir

مساحات النزاع بين خطابي العولمة والاسلام السياسى مع التاكيد على آراء الامام الخمينى قده وسيد قطب

مرتضى شيرودى^١ / على عنبر^٢

الخلاصة: خطابا العولمة والاسلام السياسى يستعينان من اجل هيمنة الهوية التى يطرحها كل منهما على معانى خاصة من العلامت المطروحة على الساحة الحياتية، لكن مساحات النزاع بينهما من خلال رؤية الامام الخمينى قده وسيد قطب لا تزال غامضة وغير واضحة... ومن هذا المنطلق سنواجه هذا التساؤل: ما هى مساحات او مناطق النزاع بين خطابي العولمة والاسلام السياسى فى ضوء آراء الامام الخمينى قده وسيد قطب؟ يظهر ان الخطابين مختلفان فيما يتعلق بالسلطة، العدالة، المشاركة، التنافس وغيرها. والهدف من هذا المقال هو بيان عدم الانسجام القائم بين الخطابين فى الظاهر والمضمون من خلال تحديد مساحات النزاع بينهما.

الكلمات المفتاحية: الامام الخمينى، سيد قطب، النزاع، الخطاب، العولمة، الاسلام السياسى.

الانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية من منظار سماحة قائد الثورة

فريبا سادات محسنى سهى^٣

الخلاصة: يسعى هذا المقال الى معرفة اكثر برؤية سماحة قائد الثورة فى مجال الانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية، باعتبارها خطوة مؤثرة فى تنفيذ مشروع التطور العلمى فى البلاد. لذلك تسعى الكاتبة ومن خلال منهج التحليل المضمونى للمعطيات الاساسية، الى استخراج رؤى ومواقف سماحته من بين الخطابات والوثائق والمواقف التى صدرت عنه فى مجال العلم والتقنية و...، وبالتالي بيان النموذج المفهومى للانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية. وستكون النتائج فى محاور مثل: الشروط، الارضيات، الاستراتيجيات العامة، والاجراءات الوطنية المناسبة التى تحتاجها عملية الانتقال هذه، مدخلا للعلماء والباحثين والمسؤولين المعنيين.

الكلمات المفتاحية: سماحة قائد الثورة، العلوم السياسية الغربية، العلوم السياسية الاسلامية، القيم الاساسية، نهضة البرمجيات، التعامل البناء.

dshirody@yahoo.com

١. استاذ مساعد فى معهد الامام الصادق عده العالى.

alianber.84@gmail.com

٢. ماجستير فى التاريخ المعاصر للبلدان الاسلامية، جامعة المصطفى عده.

mohseni_sadat@yahoo.com

٣. طالبة دكتوراه علوم سياسية بجامعة طهران.

الحرب الثقافية للمستكبرين: الاهداف والاستراتيجيات

عبد الله حاجي صادقي^١

الخلاصة: جبهة الاستكبار في مواجهة دائمة مع جبهة الثورة الاسلامية، وبسبب فشلها في مجالات الحرب الصلدة او شبه الصلدة، فانها جعلت أهم محاور هجومها في الحرب الثقافية واستهداف الأسس والاركان التي تقوم عليها الثورة الاسلامية، مثل الماهية الدينية، محورية الولاية، الروح الجهادية والثورية، خطاب الثورة الاسلامية وغير ذلك، ومن خلال ادوات متعددة ومتنوعة، وصفت استراتيجيات تنفيذية لتطبيق هذا الهجوم البرمجي والقيمي ضد اسس واركاب الثورة. وبما ان فهم مختلف ابعاد الحرب الثقافية التي يقوم بها الاستكبار بشكل عميق، يعد من أهم مصاديق البصيرة والشرط الاساس في الدفاع عن الثورة الاسلامية، فقد بدأ المقال بتحديد سبعة أهداف ومنافذ لهجوم الاعداء الثقافي، ثم جرى بيان الاستراتيجيات التنفيذية التي يتبعها الاستكبار بشكل عام.

الكلمات المفتاحية: الحرب الثقافية، جبهة الاستكبار، الثورة الاسلامية، الاستراتيجيات التنفيذية.

دراسة مقارنة للتنظيمات اليسارية في خمسينيات وسبعينيات القرن الماضي

محمد رضا حاتمي^٢ / روح الله لطفى زاد^٣

الخلاصة: الاتجاهات الفكرية التنويرية في الخمسينيات بايران، وكالعديد من بلدان العالم الأخرى، يعد نوعا من النضال ضد الرأسمالية الاميركية. لذلك نرى ان التيار التنويري اليساري في الخمسينيات، ومثاثر بنحو ما بالنضال العالمي. في حين ان التيار الحزبي اليساري ينظر دائما الى خارج الحدود ويستلم اوامره وكراساته مباشرة من موسكو. في السبعينيات قام حزب تودة وتنظيمات ماركسية اخرى ومن اجل الحصول على قاعدة اجتماعية، بعملية التقاطية تجمع بين الاسلام والماركسية! كانوا يعدون انفسهم في اوكار تنظيمية وينفذون اغتيالات ثورية ويقومون باعمال كما حصل في غابة "سياهكل"، لكن أزمة وفتنة ٤ فبراير/ شباط (١٩٨٠) ومن ثم هروب بنى صدر من ايران ما تلى ذلك من تطورات ورفض اهلية مرشحهم في الانتخابات، جعل القوى اليسارية تنزل الى الشارع. ودراسة التطورات التي واجهتها هذه التنظيمات وأوجه التشابه في ادائها وسلوكها خلال عقدي الخمسينيات والسبعينيات، هو هدف هذا المقال.

الكلمات المفتاحية: حزب تودة، الماركسيون، الهوية، انتفاضة النفط، التنوير، الاتجاهات اليسارية.

yamahdi433@mihanmail.ir

١. استاذ مساعد بمجمع الشهيد محلاتي للتعليم العالى.

hatami5@yahoo.com

٢. استاذ مساعد بجامعة "بيام نور".

lotfizad_58@yahoo.com

٣. طالب دكتوراه معارف اسلامية - جامعة "بيام نور" طهران.

العلاقة بين الاقتدار والمرجعية العلمية والتقانية... والاقتدار والأمن القومى للجمهورية الاسلامية الايرانية

فرهاد رهبر^١ / حسن حسين زاده^٢

الخلاصة: مع الأخذ بالتأكيدات المستمرة لقائد الثورة حول تحقيق المرجعية العلمية والتقانية فى العالم، وايضاً وفقاً للحديث المروى عن أمير المؤمنين عليه السلام والذى يشير فيه الى مكانة العلم ودوره فى الاقتدار والقوة، يسعى الباحثان ومن خلال المنهج التركيبى من دراسات مكتبية ومتابعات ميدانية، الى دراسة العلاقة بين الاقتدار والمرجعية العلمية والتقانية وتأثيرها على الأمن القومى. ومع الأخذ باختبارات الفرضية، يقدم البحث احصائيات عن معطيات الاستبيان حول حصول الجمهورية الاسلامية الايرانية على الاقتدار العلمى وفى النهاية المرجعية العلمية والتقانية فى العالم مع شروحات فى طيات المقال، وتأثير ذلك على ايجاد الاقتدار وضمان الأمن القومى.

الكلمات المفتاحية: المرجعية العلمية والتقانية، انتاج العلم، الاقتدار، الاقتدار العلمى، الأمن القومى.

دراسة عناصر الدبلوماسية الاقليمية للثورة الاسلامية وتقديم استراتيجية

غلام رضا كريمى^٣ / حسين على توتى^٤

الخلاصة: هذا البحث ومن خلال طرح هذا السؤال، وهو: ما هى المكانة التى حققتها الدبلوماسية الاقليمية للثورة الاسلامية الايرانية فى النظام القائم بالشرق الأوسط وفى ايجاد نموذج اقليمى جديد؟ يصل الى هذه الاجابة، وهى: بالنظر الى أهمية منطقة الشرق الأوسط باعتبارها الدائرة الاولى لعمق الاستراتيجية الدبلوماسية الايرانية، وبسبب طبيعة الثورة الاسلامية، فان لايران قدرات كامنة فى مختلف مجالات الثورة الناعمة فى هذه المنطقة. وبعد الموجة الاخيرة للصحة الاسلامية ايضا، فان تأثر هذه الانتفاضات والحركات والبلدان الشرق أوسطية بطبيعة القوة الناعمة للثورة الاسلامية، قابله اتجاهات غريبة من القوة الناعمة، تقوم على نشر قيم الديمقراطية الليبرالية فى الشرق الأوسط.

الكلمات المفتاحية: الدبلوماسية الاقليمية، الاستراتيجية، الثورة الاسلامية الايرانية، القوة الناعمة، الشرق الأوسط.

١. أستاذ بجامعة طهران.

٢. طالب دكتوراه فى القانون الدولى.

٣. استاذ مساعد بجامعة الخوارزمى.

٤. طالب دكتوراه علاقات دولية بجامعة الخوارزمى.

ghkarimi@khu.ac.ir

h.tooti@ut.ac.ir

الاهداف، الرسالة والعوامل الاستراتيجية للبيئتين الداخلية والخارجية للثورة الاسلامية

محسن باليزبان^١

الخلاصة: في اطار الادارة الاستراتيجية، فان الشرط الأساس لتدوين استراتيجية من أجل الوصول الى الظروف القائمة المنتهية الى الوضع المطلوب أو المنشود، هو امتلاك رسالة ورؤية استشرافية وقائمة بالعوامل الرئيسية أو الاستراتيجية في البيئة الداخلية (نقاط القوة والضعف) والبيئة الخارجية (الفرص والتحديات). والهدف من هذا المقال هو اعداد وكتابة رسالة واستشراق مستقبل واعداد قائمة بالعوامل الاستراتيجية للثورة الاسلامية في اطار تحليل استراتيجي (SWOT) ناتج عن الأهداف النهائية، السياسات العامة ومطالبات اصحاب المنفعة والشأن في الثورة الاسلامية.

الكلمات المفتاحية: الرسالة، الاستشراق، العوامل الاستراتيجية، الثورة الاسلامية.

الحج والامكانيات الداخلية للعالم الاسلامي في الصحوة الاسلامية

بالاستناد الى فكر الامام الخميني (رض)

محسن محمدى^٢ / غلام رضا بهروز لك^٣

الخلاصة: الامام الخميني ومن خلال نظريته السياسية والاجتماعية الى الحج، يلفت انتباه المسلمين الى امكانيات الحج في الصحوة الاسلامية. ففي ندائه بمناسبة موسم الحج يرى ان روح الصحوة الاسلامية تتجلى في النضال ضد الاستعمار والاستكبار، ويدعو المسلمين الى تذكر وظائف الحج السياسية والاجتماعية التي يجرى التغافل ودعم الصحوة الاسلامية. فمن وجهة نظر الامام الخميني (رض) يعتبر الحج فسحة للوعي والتنقيف فيما يتعلق بالاسلام وقضايا العالم الاسلامي والبراءة من المشركين، ضمن عملية بعث للهوية والانسجام بين بلدان العالم الاسلامي في مقابل الكفر والاستعمار باعتباره العدو المشترك لجميع المسلمين.

الكلمات المفتاحية: الحج، الصحوة الاسلامية، الامام الخميني، الاستعمار، الاسلام السياسي، الاحياء الديني.

mpalizban@ut.ac.ir

mohsen2941@yahoo.com

١. دكتوراه علوم سياسية - فرع الدراسات الايرانية من جامعة طهران.

٢. طالب دكتوراه الثورة الاسلامية.

٣. استاذ مساعد بجامعة باقر العلوم عالي.